

گفتمان ماندگاری انقلاب در آرای مقام معظم رهبری

مصطفی قربانی *

محمود پروانه **

چکیده

پیامد تحولات منطقه‌ای به ویژه مذاکرات هسته‌ای و انعقاد برجام، دیدگاه‌ها و رویکردهای متمایزی را در بین نخبگان فکری و سیاسی بر محور رابطه جمهوری اسلامی با غرب به‌ویژه آمریکا نمایان ساخت. در این بین رهبر انقلاب اسلامی با احساس خطر نسبت به احتمال تضعیف گفتمان انقلابی‌گری، بر تداوم آن تأکید کرده‌اند. در منظر ایشان عناصری چون استحکام ساخت درونی نظام، اقتصاد مقاومتی، استکبارستیزی به‌ویژه آمریکاستیزی و جهاد کبیر (مقابله با نفوذ) دال‌های محوری گفتمانی است که می‌توان از آن تعبیر به ماندگاری انقلاب کرد. در آرای رهبر انقلاب، این گفتمان از یک سو زمینه پیشرفت و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی و از سوی دیگر، تداوم و حفظ سیرت و تمایز هویتی انقلاب اسلامی در مقابل رقبای غیر انقلابی و استکباری است.

کلیدواژگان: استحکام ساخت درونی، اقتصاد مقاومتی، جهاد کبیر، استکبارستیزی، انقلابی‌گری.

* کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: dr.ghorbani91@gmail.com)

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

تحولات منطقه‌ای خاورمیانه، تلاش قدرت‌های غربی به ویژه آمریکا را برای مدیریت این تحولات از طریق همراه‌سازی جمهوری اسلامی به دنبال داشت؛ زیرا ایران را هم به‌عنوان جزء مهمی از بحران‌زایی و هم عنصر قدرتمندی در حل منازعات معرفی می‌کردند. این تحولات، با مذاکرات هسته‌ای و در نهایت انعقاد برجام در دوره روی کار آمدن دولتی با گرایش‌های عمل‌گرایانه مقارن شد که با توجه به تبعات سنگین تحریم و مشکلات عدیده اقتصادی، راه خروج از بحران را در کاهش سطح تنش با غرب و به‌ویژه آمریکا و حتی رقبای منطقه‌ای و توسعه روابط اقتصادی و سیاسی با آنها می‌داند. این نوع درک و سیاست‌ورزی دولت یازدهم را باید در ادامه و ذیل گفتمان‌سازندگی یعنی توسعه‌گرایی عمل‌گرایانه معرفی کرد. اعتدال‌گرایی، توسعه اقتصادمحور، متناسب‌سازی مسئولیت‌های فراملی با منافع ملی، عمل‌گرایی، تنش‌زدایی و اعتمادسازی و برون‌گرایی تعاملی مهم‌ترین دال‌های این گفتمان است (پروانه، ۱۳۹۴: ۹۱-۹۹).

این اتفاقات و گفت‌وگوها و مذاکرات آشکار و پنهان، برداشت‌های متفاوتی را هم در بین نخبگان فکری و سیاسی و برخی دولت‌مردان در سطح داخلی و همچنین طرف‌های مقابل در سطح جهانی و منطقه‌ای به‌خصوص آمریکایی‌ها ایجاد کرد، از جمله اینکه می‌توان موارد مذاکره و گفت‌وگو و توافق را به حوزه‌های دیگری هم تسری داد. در همین زمینه باید از برجام به‌عنوان یک متغیر میانجی بسیار تعیین‌کننده نام برد. در نگاه رهبری، برنامه‌ریزی و نوع نگاه دشمن به برجام به‌گونه‌ای است که با تسری مدل برجام به سایر حوزه‌های توانمندی‌های راهبردی جمهوری اسلامی، ایران اسلامی و انقلابی را از درون دچار ضعف، شکنندگی، استحاله و فروپاشی می‌کند.

در این بین رهبر معظم انقلاب - حضرت آیت الله خامنه‌ای - با احساس خطر ناشی از تحلیل دیرین خود، با استمرار مؤکد بر گفتمان انقلابی‌گری، متناسب با این احساس خطر، بر مؤلفه‌هایی تأکید کردند که به نظر می‌رسد دال مرکزی آنها، تلاش برای تضمین «آینده و ماندگاری انقلاب اسلامی و حفظ مرزهای گفتمانی آن» است. لذا می‌توان از آن به گفتمان ماندگاری انقلاب تعبیر نمود. ایشان تأکید دارند که دشمن همواره می‌خواسته و می‌خواهد عوامل ماندگاری، بقا و کارآمدی نظام اسلامی را از بین ببرد، و در این راه از ابتکارات جدیدی هم استفاده می‌کند (امام

در دیدگاه رهبر انقلاب، این گفتمان از یک سو در پی مقابله و خنثی‌سازی اقدامات و عواملی است که ماندگاری انقلاب را مورد هجوم قرار می‌دهند و از سوی دیگر، دربردارنده رهنمودها و خط‌مشی‌هایی برای حفظ پویایی، پیش‌روندگی، پیش‌برندگی، اقتدار و عزت انقلاب و نظام اسلامی و در نتیجه، تضمین تداوم آن است. بنابراین، رهنمودهای ایشان هم وجه سلبی و مقاومت‌گرانه دارد و هم وجه ایجابی و شکوفاکننده. این نوشتار در پی تبیین دال‌های محوری این گفتمان است.

۱. نظریه گفتمان به مثابه روش

در تعریفی ساده، گفتمان به معنی منظومه‌ای از معانی و مفاهیم است که یک انسجام درونی دارد و برای درک مسایل جاری از آن استفاده می‌شود. اهمیت گفتمان حداقل از دو منظر مورد توجه است:

الف) گفتمان، سازنده وجود معنایی کنش و رفتار است. به عبارت دیگر، امر گفتمانی به دنبال هژمونی است و در این صورت می‌خواهد تا شکل‌های مسلط معنا و رفتار را تعیین کند و چون در شرایط حضور هژمونیک گفتمان‌ها، انسان‌ها در نقش‌ها و موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که گفتمان برای آنها فراهم کرده است (منوچهری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۰-۱۲۱). بنابراین، می‌توان گفت آنگاه که امری تبدیل به گفتمان شود، می‌تواند منطق خود را بر بازیگران و کارگزاران مختلف اجتماعی تحمیل کند و در این حالت، امر گفتمانی به امر عمومی تبدیل شده است.

ب) کارکرد هویت‌بخشی گفتمان: امر گفتمانی با غیریت‌سازی به دنبال هویت‌بخشی به کارگزاران اجتماعی است. اهمیت این ویژگی امر گفتمانی در آن است که هر چیز در ارتباط با «غیر» هویت می‌یابد؛ زیرا اشیا دارای ذات و هویت ثابت نیستند و تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آنها برقرار می‌کنند، هویت می‌یابند (منوچهری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۹). به عبارتی، گفتمان با برجسته‌سازی غیر، به هویت‌بخشی و اتقان درونی مجموعه‌ها می‌پردازد. در همین راستا، اهمیت دیگر امر گفتمانی آن است که زمینه ظهور گفتمان‌های رقیب را محدود می‌کند و آنها را طرد و به محاق می‌برد. به تعبیر دیگر، گفتمان برای اینکه بتواند تعیین‌کننده شکل‌های مسلط معنا و رفتار باشد و هویت کنش‌گران را تعریف کند؛ این

کارکرد را از طریق فرایند «برجسته‌سازی و ایجاد فضای تخصص و طرد» انجام می‌دهد؛ بدین صورت که گفتمان‌ها به واسطه فرآیندهای برجسته‌سازی، دال‌ها و نقاط قوت خود را برجسته کرده و با به حاشیه راندن کاستی‌هایشان، خلأها و ضعف‌هایشان را می‌پوشانند. همچنین در فرایندی وارونه، نقاط قوت و برتری رقبا را به حاشیه برده و نقاط ضعف آنها را برجسته می‌سازند. بنابراین، مکانیزم‌های طرد و برجسته‌سازی، شیوه‌ای برای تقویت خود و به حاشیه راندن دیگری است. گفتمان‌ها با بهره‌گیری از همین دو شیوه است که با معناداری خاص به نشانه‌ها و اجماع‌سازی، می‌توانند مدلول خاصی را به دال مرکزی بچسبانند و آن را هژمونیک کنند و با طرد و شالوده‌شکنی دال مرکزی گفتمان رقیب، تلاش دارند هژمونی آن را زیر سؤال ببرند.

باتوجه به آنچه در باب گفتمان گفته شد، مجموعه مؤلفه‌های آرای مقام معظم رهبری را می‌توان منظومه‌ای گفتمانی دانست که اولاً در آن تلاش شده که از گفتمان‌های رقیب اعتبارزدایی شده و آنها را طرد و به محاق ببرد؛ ثانیاً کوشیده است تا در این فرایند به تثبیت معانی و دال‌های انقلابی بپردازد تا از این طریق هم بتواند جهت‌گیری‌های کلان و شکل‌های مسلط معنا و رفتار را تعیین کنند و هویت انقلابی نظام و مردم دچار خدشه نشود. نکته مهم در این میان این است که این گفتمان باید قابلیت دسترسی و اعتبار نیز داشته باشد. یعنی در کنار این می‌کوشد زمینه‌های نضج گفتمان‌های رقیب را از بین ببرد، لذا به انتشار وسیع رهنمودهای ایشان در رسانه‌های مختلف به‌ویژه در سطح داخلی اقدام شده است و از این جهت نگرانی وجود ندارد و هم اعتبار لازم را در میان جامعه کسب کند که تحصیل این مورد اخیر مستلزم اثبات کارآمدی این گفتمان در عرصه‌های عینی و عملی است.

۲. منبع و مبنای مشروعیت

همان‌طور که اشاره شد، مجموعه دغدغه‌های رهبر انقلاب را می‌توان پیرامون مسئله ماندگاری انقلاب و در جهت تضمین آن دانست. به عبارت دیگر، مهم‌ترین دال‌های اندیشه‌ورزی‌های ایشان به‌ویژه در بازه مورد بررسی مقارن برجام، حول دال مرکزی «ماندگاری انقلاب» مفصل‌بندی و پردازش شده است. مهم‌ترین دال‌ها و عناصر این گفتمان به قرار زیر است:

۲-۱. استحکامبخشی ساخت‌درونی نظام

مشکلات دشوار ناشی از تداوم و تشدید تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده دنیای غرب به رهبری امریکا، در کنار سوء مدیریت‌ها و غفلت‌های داخلی، کشور را با معضلات مهمی روبه‌رو ساخت. در این شرایط، دو دیدگاه اصلی در بین نخبگان فکری و دولتمردان وجود داشت؛ دیدگاه اول که دولت یازدهم هم قائل به آن است با رویکردی عمل‌گرایانه، تنش‌زدایی با غرب و توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با آن جهت رفع تحریم‌ها و توسعه را خواستار است.

این گفتمان مبتنی بر دال مرکزی تعدیل و توسعه اقتصادمحور بر این عناصر استوار شده است: اعتدال‌گرایی، توسعه به مثابه عدالت، گرایش به الگوی توسعه سرمایه‌داری، ثبات سیاسی داخلی، تناسب قدرت ملی و مسئولیت‌های فراملی با اولویت تثبیت داخلی، دیپلماسی اقتصادگرا و برون‌گرایی، چندجانبه‌گرایی و امنیت ملی رشدمحور (پروانه، ۱۳۹۴: ۹۱-۹۹)؛ لذا یک پایه اصلی حل مشکلات کشور را در تنش‌زدایی، اعتمادسازی، چندجانبه‌گرایی، تعامل‌سازنده با دنیا و به‌ویژه غرب، گسترش حوزه مشارکت خارجی در اقتصاد کشور و ... می‌داند (مصطفی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۲۰). بخشی از نخبگان فکری این جریان، با توجه دادن به جهانی‌شدن و ضرورت اتصالات بین‌المللی، علاج توسعه و کارآمدی کشور را در نگاه به بیرون و تلاش برای هماهنگی هرچه بیشتر در نظام جهانی می‌دانند (ر.ک: سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۱۰۶). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این دیدگاه در مورد نسبت با بیرون به‌ویژه غرب، ابتدا در دولت موقت شکل گرفت و سپس با تفاوت‌هایی در دولت‌سازندگی و با حاکمیت دیدگاه‌های عمل‌گرایانه تکنوکراتیک بازسازی و در دولت خاتمی و سپس روحانی باز تولید شد (ر.ک: قربانی، ۱۳۹۴: ۸۹).

دیدگاه دیگر معتقد است: با توجه به توطئه‌گری و دشمنی پایان‌ناپذیر نظام سلطه به رهبری آمریکا با انقلاب اسلامی و همچنین محتمل بودن تبعات نگاه به بیرون برای حل معضلات کشور یا به تعبیر دیگر، اتصالات و ارتباطات بین‌المللی دربردارنده پیامدهایی بر ساحت‌های مختلف جامعه است (به عنوان مثال ر.ک: هانتینگتون، ۱۳۹۲ و دیاموند، ۱۳۹۲: ۱۳۴)، می‌بایست در عین حفظ ارتباط با دنیای خارج و دوری‌گزیدن از انزوا در نظام بین‌الملل، در تعامل با دنیای خارج، ضمن توجه به این دشمنی عمیق و در نتیجه احتمال آسیب رساندن به انقلاب و نظام، برای مدیریت تبعات آن نیز چاره‌اندیشی شود و لذا در حوزه ارتباط با خارج، قائل به ملاحظات است.

از طرف دیگر معتقد است که باید با تمرکز در نگاه به درون و ظرفیت‌های بسیار داخلی، مشکلات موجود را حل کرد. مقام معظم رهبری، نماینده ویژه این دیدگاه است.

مقام معظم رهبری معتقد است: در مقابل ایده نگاه به بیرون برای حل مسائل کشور و در مقابله با تهدیدات و تهدیدات خارجی، ایده تقویت ساخت‌درونی، بدیلی برای توسعه و پیشرفت کشور و کارآمدی نظام است. از دیدگاه ایشان، تنها راه ریشه‌کن کردن مشکلات پیش‌رو و مصون ماندن از تکانه‌های طبیعی و مصنوعی، نه در نگاه به بیرون، بلکه در تکیه به داخل و استفاده از ظرفیت‌های درون‌زای داخلی است (امام خامنه‌ای در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23175>). این دیدگاه مدعی است ایده تقویت ساخت‌درونی، یک جنبه ایجابی دارد که عامل پیشرفت و کارآمدی است و یک جنبه سلبی که ماهیت انقلابی و استکبارستیزانه نظام را حفظ می‌کند.

یک دیدگاه قوی در دنیای امروز این بوده است و تبلیغ می‌شود که چنانچه کشوری خواهان شکوفایی اقتصادی است، باید به مدارهای جهانی توسعه وصل شده و از امکانات خارجی بهره‌بردار و لذا رویکردهای استقلال‌طلبانه نمی‌تواند به توفیق برسد (ر.ک: هتته، ۱۳۹۲). بدین معنا، استقلال‌طلبی ناشی از انقلابی‌گری به نوعی با توسعه اقتصادی، مانع‌الجمع محسوب می‌شود. ایده استحکام‌بخشی ساخت‌درونی با نادرست دانستن این گزاره، بر آن است که در عین حفظ عزت ملی و استقلال سیاسی و ایدئولوژیک، با تقویت ظرفیت‌های درونی، توسعه، پیشرفت و شکوفایی اقتصادی قابل تحقق است (امام خامنه‌ای در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33412>).

به این نکته نیز باید توجه کرد که استحکام‌بخشی ساخت‌درونی، موضوع جدیدی نیست و در سایر کشورها نیز کارآمدی خود را نشان داده است. در این خصوص نیز حداقل می‌توان به دو مورد اشاره کرد: اروپای غربی و NICS (کشورهای تازه صنعتی شده) (ر.ک: بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۷۱؛ لپیژگر، ۱۳۷۵: ۱۵-۴۹؛ سیف، ۱۳۸۹: ۲۸۱). شایان توجه است که استحکام‌بخشی، الگویی برای مدیریت توسعه کشور است که برخلاف الگوهای رایج در دنیا، تک‌ساحتی نبوده، بلکه در اینجا بر نقش عنصر معنویت و ایمان به‌عنوان یکی از ارکان اصلی و در عین حال، مقوم استحکام‌بخشی ساخت‌درونی نیز تأکید می‌شود. در واقع، به باور مقام معظم رهبری، «ایمان اسلامی»، در کنار «پیشرفت‌های علمی»، «توانمندی اقتصادی» و «توانمندی دفاعی بازدارنده»، «توانمندی سیاسی ملی به‌معنای وحدت و انسجام ملی نسبت به مبانی نظام» و «جمعیت جوان کشور» از جمله

توانمندی‌های شش‌گانه اساسی کشور هستند که می‌توانند در استحکام‌بخشی و ارتقای کارآمدی نظام نقش‌آفرین باشند (امام خامنه‌ای در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33371>).

۲-۲. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی که ایده و مدلی عملی برای استحکام‌بخشی به ساخت درونی نظام در بُعد اقتصادی است از طرفی پاسخی به شرایط تحریمی حاکم بر اقتصاد کشور است و از طرف دیگر، متناسب با ویژگی‌های ارزشی انقلاب اسلامی و شرایط محیطی و بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی است. لذا یک الگوی همیشگی و پایدار برای مدیریت توسعه اقتصادی کشور است. در دوره پسابرجام، رهبر انقلاب با احساس خطر از اینکه به بهانه رفع تحریم و ورود ایران به بازارهای جهانی، این سیاست مهم، تضعیف شود، آن را مورد تأکید بیشتر قرار داد. به‌گونه‌ای که پرسامدترین واژه در بیانات ایشان از ابتدای سال ۹۵ تاکنون، «اقتصاد مقاومتی» بوده است (Khamenei.ir).

از منظر مقام معظم رهبری چنین دریافت می‌شود که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی درونزا و برون‌گراست که قوام خود را مرهون توانمندی‌ها و موقعیت‌های کم‌نظیر یا بی‌نظیر درون کشور است. منحنی نمودار این اقتصاد تابع نوسانات و تصمیمات خصمانه دشمنان نیست و به‌تبع بنیاد استوار و پایدار آموزه‌های اصیل دینی و متناسب با ایمان و اراده راسخ مدیران، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، مقاوم و استوار بوده و در نتیجه، سرشت دفاعی دارد (طاهری سرتشنیزی، ۱۳۹۴: ۵).

۲-۳. استکبار ستیزی

در نظر مقام معظم رهبری، استکبارستیزی از جمله دال‌های حیاتی و مهم گفتمان انقلاب اسلامی است که از یک‌سو عمق راهبردی و ظرفیت الهام‌بخشی در سطح منطقه و تا حدودی نظام بین‌الملل را برای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به ارمغان آورده و از سوی دیگر، باتوجه به همین ظرفیت، سبب استحکام مرزهای گفتمانی انقلاب و تمایز آن با گفتمان‌های غیرانقلابی و استکباری می‌شود. به همین دلیل از جمله موضوعاتی است که دشمن در دوره پسابرجام تلاش می‌کند تا آن را خدشه‌دار کند. از این‌رو، تلاش برای حفظ سیاست‌ها، رفتارها و ماهیت استکبارستیزانه نظام اسلامی در اولویت دغدغه‌ها و نگرانی‌های مقام معظم رهبری قرار دارد و نسبت به هرگونه وارد شدن خدشه به این آرمان هشدار می‌دهند. از جمله در هر بار مذاکره و

نشست و برخاست با مقام‌های غربی و آمریکایی بر این ویژگی انقلابی تأکید کرده‌اند. در این خصوص در دیدار دانشجویان (امام خامنه‌ای در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30255>) اصرار می‌کنند: «مبارزه با استکبار و نظام سلطه، براساس مبانی قرآنی، هیچگاه تعطیل‌پذیر نیست و امروز آمریکا کامل‌ترین مصداق استکبار است». از این منظر، معنای ضمنی هرگونه کم‌توجهی یا بی‌توجهی به شعارها و آرمان‌های انقلابی مانند استکبارستیزی، زیرسؤال رفتن دال‌های هویت‌بخش و برتر گفتمان انقلاب اسلامی است. بنابراین، در این صورت نظام اسلامی از داعیه‌هایی که عامل قدرت و اقتدار ملی و منطقه‌ای آن محسوب می‌شوند، تهی می‌شود. درواقع، در شرایطی که آمریکا هنوز جمهوری اسلامی ایران را دشمن خود می‌داند و از تغییر روش و نه تغییر راهبرد در قبال ایران سخن می‌گوید، آنگونه که باراک اوباما، رئیس‌جمهور و جان کری وزیر خارجه سابق آمریکا بارها بر این نکته تصریح کرده‌اند، هرگونه تغییر راهبرد در مقابل آن و کم‌رنگ شدن آرمان‌هایی مانند استکبارستیزی می‌تواند به معنای تغییر در دال‌های برتر گفتمان انقلاب اسلامی باشد.

در دیدگاه رهبر انقلاب، برخلاف تصور عده‌ای که استکبارستیزی را سبب انزوای ایران در نظام بین‌الملل می‌دانند، کنار گذاشتن این آرمان نه تنها سبب عزت ایران اسلامی نمی‌شود که قدرت و نفوذ منطقه‌ای این نظام را نیز محدود می‌کند؛ زیرا استکبارستیزی پشتوانه اساسی نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و به مثابه عاملی برای تضمین آن محسوب می‌شود. بنابراین پدیده‌هایی همچون برجام نمی‌تواند و نباید سبب تغییر هویت جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک کشور انقلابی استکبارستیز و الهام‌بخش شود و این دقیقاً نقطه مقابل هدف‌گذاری دشمن است که می‌کوشد نشان دهد که جمهوری اسلامی ایران از مواضع خود کوتاه آمده و حاضر به تغییر رفتار شده است.

۲-۴. جهاد کبیر؛ مقابله با نفوذ دشمن

مقام معظم رهبری پس از انعقاد برجام، به‌طور ویژه، بر موضوع نفوذ دشمن در پسا برجام هشدار دادند. ایشان در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی (امام خامنه‌ای در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30524>) نقشه دشمن را بر دو محور ایجاد اختلاف و نفوذ دانسته و تأکید می‌کند که در جریان این

مذاکرات هسته‌ای، نیت آنها این بود که از این مذاکرات و از این توافق، وسیله‌ای پیدا کنند برای نفوذ در داخل کشور. ایشان در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (امام خامنه‌ای در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>)، تأکید کردند که: «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند».

درواقع، پس از انعقاد برجام، باتوجه به سابقه دشمنی طرف مقابل، به ویژه آمریکایی‌ها، این سؤال مطرح شد که آیا آنها از اهداف خصمانه خود در قبال انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران کاسته و یا حتی دست برداشته‌اند؟ براساس نظر رهبری می‌توان گفت توافق با ایران به معنای تغییر راهبرد آمریکا در قبال ایران و کاهش یا لغو دشمنی نظام سلطه با نظام اسلامی نیست؛ بلکه شیوه‌ها و ابزارهای این دشمنی تغییر خواهد کرد. از این رو، پروژه و نقشه آمریکا برای نفوذ در ایران در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

می‌توان گفت که مقام معظم رهبری با طرح موضوع نفوذ، بر تداوم خصومت دشمنان تأکید کرده و به برخی دولتمردان گوشزد کردند که ارتباطات گسترده با دنیای خارج و توجه به بیرون برای حل مسائل کشور، به صورت محدود قابل پذیرش است و برای مدیریت تبعات آن باید هوشمندانه عمل کرد. در این منظر، مقابله با نفوذ به معنای انزوا نیست اما باتوجه به سابقه تاریخی، امکانات و انگیزه دشمن برای نفوذ همه‌جانبه و فراگیر در کشور، نسبت به افزایش سطح تماس با دشمن محذوریت قائل است.

رهبری با درک خود از نقشه دشمن و آگاهی از وضعیت و امکانات داخلی کشور، معتقد به ابتکار عمل و بسته نبودن دست نظام اسلامی در مواجهه با نقشه دشمن برای نفوذ است. درواقع، این برداشت با اذعان به واقعی بودن تلاش دشمن برای نفوذ، شیوه صحیح مواجهه با آن را نه در طرد کامل تعاملات با دنیای خارج و نه در ادغام بدون توجه به تبعات احتمالی در نظام بین‌الملل می‌داند، بلکه توجه به مدیریت تعاملات با دنیای خارج و بستن روزه‌های نفوذ در عین تعامل را تجویز می‌کند. به تعبیری، می‌توان گفت اعتقاد رهبر انقلاب بر این است که شیوه مواجهه ما با دنیای خارج و کیفیت استفاده ما از امکانات بین‌المللی است که می‌تواند بسترساز نفوذ باشد.

رهبر انقلاب از مفهومی بر گرفته از ادبیات قرآنی به نام «جهادکبیر»، تفسیر و تعبیر به عدم تبعیت از دشمن کرده و از آن به عنوان نسخه‌ای برای مقابله با نفوذ یاد می‌کنند (امام خامنه‌ای در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33172>). در این نگاه، در ادامه جنگ نرم و اقداماتی چون انقلاب رنگی و تحریم، آمریکا با تمرکز بر راهبرد نفوذ، با هدف تضعیف توانمندی های درونی نظام اسلامی و به حاشیه بردن نهادهای انقلابی و با شیوه نفوذ در ارکان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نظام، به ادامه جنگ با جمهوری اسلامی می‌پردازد.

در نظر قائلان این دیدگاه، به نظر می‌رسد در اشکال جنگ نرم، نقطه اتکای دشمن برای پیشبرد اهداف خصمانه‌اش در قبال نظام اسلامی، اقلیتی طرفدار غرب در داخل کشور است. با این تفاوت که در موج‌های قبلی جنگ نرم، سرمایه‌گذاری دشمن بر روی توده اقلیت غرب‌گرا در داخل کشور متمرکز بود و کوشید تا با به صحنه کشاندن آنها، تحولات موردنظر خود را در داخل کشور شکل‌دهی، سازماندهی و به نتیجه برساند؛ اما در موج جدید این جنگ، دشمن به سرمایه‌گذاری بر روی طیفی از نخبگان حاضر در برخی مصادر امور کشور متمرکز است؛ به‌ویژه آن دسته از نخبگان توسعه‌گرایی که معتقدند راه‌حل مسائل کشور، دست کشیدن از انقلابی‌گری، عدم منازعه و تنش با نظام ظالمانه حاکم بر دنیا، ادغام در جهانی شدن، کم‌رنگ شدن جهت‌گیری‌های استقلال‌گرایانه کشور و ... است. به عبارت دیگر، دشمن با راه‌اندازی کودتای رنگی و تحریم جمهوری اسلامی ایران درصدد بود تا با فشار از پایین، صراط مستقیم انقلاب را منحرف کند و آن را به تبعیت و اطاعت از خود وادارد. اما در موج سوم، دشمن با امید بستن به نخبگان تجدیدنظرطلب و با امید چانه‌زنی از بالا توسط برخی از آنان، مترصد تغییر رفتار نظام اسلامی و مطیع ساختن آن نسبت به خود است.

رهبر انقلاب راه مقابله با نفوذ را جهاد کبیر به معنای عدم تبعیت از دشمن می‌داند. چرا که همان‌گونه که دشمن با امید بستن به تبعیت‌پذیری برخی نخبگان، امیدوار است که نظام اسلامی را به اسارت تبعیت از خود درآورد، نسخه مقابله با این شیوه دشمنی، حفظ حساسیت‌ها نسبت به دشمن، او را دشمن دانستن و عدم تبعیت و مبارزه عملی با دشمن در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است.

۳. انقلابی‌گری

احساس خطر نسبت به تحریف انقلاب و درون‌مایه‌های آن همواره و از جمله در دوره جدید، دغدغه مقام معظم رهبری بوده است. این احساس خطر هم ناظر به تلاش‌های دشمن برای تحریف انقلاب و تهی ساختن آن از عناصر حیات‌بخش است و هم ناظر به دیدگاه برخی جریان‌های فکری و سیاسی داخلی که از پایان انقلاب سخن می‌گویند. از این رو، مقام معظم رهبری برای مقابله و خنثی کردن این خطر، در اشاره به خطوط اصلی انقلاب، به ترسیم هندسه انقلاب اسلامی پرداخت.

وقتی از هندسه انقلاب سخن به میان می‌آید، منظور، اصول اساسی و زیربنایی آن است که شکل‌دهنده و مشخص‌کننده هویت و ماهیت آن انقلاب می‌باشد. از نظر مقام معظم رهبری، بر اساس سخنان امام خمینی(ره)، موضوع مردم، استقلال کشور، تدین و پایبندی به مبانی اسلامی، مبارزه با استکبار و زورگویی، مسئله فلسطین، موضوع معیشت مردم و توجه به مستضعفین و رفع فقر، خطوط اصلی انقلاب هستند که از ترکیب آنها هندسه انقلاب به‌دست می‌آید (در دیدار دبیر و کارشناسان دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، ۱۳۹۴/۱۱/۱۴). انقلاب اسلامی نیز تنها زمانی انقلاب اسلامی خوانده می‌شود که همه اضلاع و اصول وجودی آن کنار هم قرار گرفته و موجود باشند.

به‌عنوان مثال، نمی‌توان مدعی انقلابی‌بودن و انقلابی‌گری بود، اما نسبت به مسئله مهمی چون استکبارستیزی غافل بود و یا اینکه دغدغه توجه به معیشت مردم و تلاش برای حل مشکلات اقتصادی را داشت، ولی نسبت به استقلال کشور یا مسئله فلسطین بی‌توجه بود. بنابراین، هرگونه افراط و تفریط در توجه و عمل به خطوط اصلی انقلاب اسلامی، به معنای خدشه‌دار ساختن ساخت هندسه انقلاب اسلامی است و در این صورت، حتی می‌توان ادعا کرد که کم‌توجهی به یکی از اصول مذکور، عامل بی‌رنگ شدن هندسه انقلاب می‌شود زیرا انقلاب اسلامی یک کلیت آرمانی تام و تجزیه‌ناپذیر است و تنها با کنارهم قرارگرفتن (دادن) مجموعه این اصول است که می‌توان از هندسه انقلاب اسلامی سخن گفت. در منظر رهبری، جریان‌ات و کسانی انقلابی کامل خوانده می‌شوند که التزام عملی به همه خطوط اصلی هندسه انقلاب داشته باشند.

علاوه بر این، ایشان با تأکید بر مفهوم هندسه انقلاب، تلاش دارند این پیام را به دشمنان انقلاب که چشم‌انتظار و امیدوار به تغییر هویت و رفتار نظام اسلامی هستند، منتقل کنند که انقلاب همچنان بر مواضع انقلابی و هندسه حقیقی خود پافشاری می‌کند. در نظر ایشان تبیین هندسه انقلاب به منظور دیدبانی از گفتمان اصیل انقلاب و بیان این نکته است که انقلاب اسلامی برخلاف انقلاب‌های دیگر، تاریخ مصرف‌دار نیست، بلکه صیرورتی دائمی و حقیقتی جاویدان است که گذر زمان و غبار حوادث روزگار سبب کم‌رنگ شدن هندسه حقیقی آن نمی‌شود.

رهبری در این راستا، در مراسم سالگرد ارتحال امام(ره) انقلابی‌گری را مفهومی دارای شاخص‌های متعدد دانسته و به تبیین پنج مورد از آنها می‌پردازد. پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی، هدف‌گیری مستمر آرمان‌ها و همت‌بلند برای رسیدن به آنها، پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور، حساسیت در برابر دشمن و تبعیت نکردن از او و تقوای دینی و سیاسی (امام خامنه‌ای در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33238>).

درواقع، برخلاف نگرش بدبینانه و محافظه‌کارانه نسبت به پدیده انقلاب که انقلاب‌ها را اساساً نوعی خلاف عادت، عارضه و بیماری می‌داند که بالاخره پس از مدتی از تب‌وتاب می‌افتند و روند تحولات جامعه از مسیر غیرعادی و منحرف‌شده ناشی از انقلاب، برمی‌گردد و روند نرمالیزاسیون (عادی شدن) امور دوباره آغاز می‌شود (بریتون، ۱۳۶۶: ۲۴۰-۲۷۵). مقام معظم رهبری با تأکید بر انقلابی بودن، انقلابی ماندن و حفظ روحیه و تفکر انقلابی، تلاش دارد بر سناریوی برخی که انقلاب اسلامی را در پایان خط خود می‌دانند و معتقدند که ترمیدور انقلاب اسلامی فرارسیده است، خط بطلان بکشد.

بنابراین، از دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی یک انقلاب تکاملی و نه ترمیدوری است؛ زیرا آرمان‌های آن آرمان‌هایی تاریخ‌مصرف‌دار نیستند و این‌گونه نیست که سیل گذر زمان، آرمان‌های این انقلاب را با خود ببرد. به عبارت دیگر، انقلاب، صیرورتی دائمی و ضرورتی همیشگی است که خود را در مسیر شدن و نه پایان می‌داند مگر آنکه آرمان‌های انقلاب تحریف شود و افراد انقلابی و کنش‌های انقلابی طرد و به حاشیه رانده شوند. بر همین اساس است که دشمنان انقلاب نیز سعی در تحریف انقلاب و تضعیف نهادها و نیروهای انقلابی دارند.

نتیجه

مشروعیت گفتمان انقلابی‌گری مقام معظم رهبری، در تداوم خود و متناسب با تحولات داخلی و منطقه‌ای به‌ویژه در دوره پساجام، حول عناصری باز تولید شد که می‌توان آنها را دال‌های گفتمان ماندگاری انقلاب نامید. این دال‌ها که بیشترین تأکید و اصرار را در دوره جدید در خطابات رهبری داشته‌اند شامل: استحکام ساخت درونی نظام، اقتصاد مقاومتی، استکبارستیزی و آمریکاستیزی، جهاد کبیر (مقابله با نفوذ) و انقلابی‌گری است.

این گفتمان‌سازی از آن جهت است که در منظر رهبر انقلاب، جنگ تمام عیار نظام سلطه، ماندگاری انقلاب را از طریق به چالش کشیدن کارآمدی آن از یک سو و مخدوش کردن تمایز هویت انقلابی ایران در مقابل رقبای غیر انقلابی و استکباری، هدف قرار داده است. لذا رهبری معتقد است گفتمان ماندگاری درست در طرف مقابل، هم خود را زمینه‌ساز پیشرفت و کارآمدی می‌داند و هم عامل حفظ سیرت و هویت و در نتیجه تداوم حیات انقلاب و الهام‌بخشی آن است. از نتایج پذیرش این گفتمان در ذیل گفتمان کلان انقلابی‌گری، اصالت استقلال بر رابطه و مواضع انقلابی بر تعامل خارجی به‌ویژه با غرب است.

فهرست منابع

- برینتون، کرین (۱۳۶۶)، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، تهران: نشر نو، چاپ چهارم.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، *آموزش دانش سیاسی*، تهران: نگاه معاصر، چاپ هشتم.
- پروانه، محمود (۱۳۹۴)، «نقد گفتمان دولت‌سازندگی مبتنی بر اندیشه سیاسی امام خمینی»، در *دوفصل‌نامه اندیشنامه ولایت*، شماره ۱.
- علیزاده اشرفی، الناز (۱۳۹۲)، گذار به دموکراسی، زیر نظر: حسین بشیریه، تهران: نگاه معاصر، چاپ چهارم.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴)، *ایران و جهانی شدن؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیف، احمد (۱۳۸۹)، «اقتصاد سیاسی جهانی کردن»، در: *مجموعه مقالات*، تهران: آگه.
- طاهری سرتشنیزی، اسحاق (۱۳۹۴)، «بنیان‌شناسی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر سخنان امام خامنه‌ای دامت برکاته»، در *دوفصل‌نامه اندیشنامه ولایت*، شماره ۲.

- قربانی، مصطفی (۱۳۹۴)، «کارآمدی در رهیافت دولت یازدهم»، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، سال چهاردهم، شماره ۵۷ و ۵۸، ۷۵-۹۷.
- لیبزیگر، دنی (۱۳۷۵)، تجربه توسعه در شرق آسیا، ترجمه: غلامعلی فرجادی و دیگران، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- مصلی‌نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴)، دولت و توسعه‌ی اقتصادی ایران، تهران: قومس.
- منوچهری، عباس و دیگران (۱۳۹۲)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت، چاپ چهارم.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۲)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه: احمد شهسا، تهران: روزنه، چاپ پنجم.
- هتنه، بزورن (۱۳۹۲)، تئوری توسعه و سه جهان، ترجمه: سیداحمد موثقی، تهران: قومس، چاپ سوم.